

# صبح ایران

برنامه شبکه افق در آستانه نمایشگاه کتاب تهران سعی دارد به واکاوی زوایای پنهان حوزه کتاب بپردازد

## کتابفروشی قلم، پاتوق فعالان نشر

صفحه ۹ و ۸

### ادبیات پایداری از خاکریز تا دفتر شعر

کامران شرقشاهی؛ سیاست‌زدگی و باندبازی را  
موانع ظهور استعدادهای ادبی دانست

۱۱ | <

### همگرایی ملی در هفته‌های ایرانی

مدیرکل طرح و برنامه‌ریزی معاونت امور استان‌ها  
جزئیات «هفته‌های ایران» را تشریح کرده است

۲۱ | <

### مساجد تراز در قاب سیما

برنامه صبحگاهی شبکه یک به بررسی  
نقش الهام‌بخش مساجد فعال پرداخته است

۶۱ | <



موسی‌الرضا(ع)، این گروه را به بیعت با آن امام همام، فراخواند و خود، با شور و اشتیاق وصف‌ناپذیر، به هدف یاری رساندن و دفاع از در برابر توطئه‌های شوم و دسیسه‌های پنهان مامون، راهی دیار خراسان شد. او، بیعت با برادر و جانشینی وی در امر امامت را بر خود و دیگران، واجب و ضروری می‌دانست و آن را فریضه‌ای الهی می‌شمرد. این قیام که تاریخ‌نگاران برجسته‌ای به آن اشاره کرده‌اند، قیامی مسلحانه در برابر مامون و حاکمان ستمگر زمانه که با رشادت، دلاوری و صلابت تمام همراه بود و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات شیعیان محسوب می‌شود. در عین حال برخی منابع تاریخی، قیام احمدبن موسی(ع) را به قبل از شهادت امام رضا(ع) و بین سال‌های ۲۰۱ تا ۲۰۳ هجری قمری نسبت می‌دهند. به گفته این مورخان، انگیزه اصلی این قیام، آگاهی احمدبن موسی(ع) از توطئه مامون برای قتل امام رضا(ع) بوده است. امام رضا(ع) با آکاره و لایطمع‌ی مامون را پذیرفتند و این مسأله مشکلات بسیاری را برای ایشان به وجود آورد. در این شرایط پرخطر، جان امام و یاران‌شان تهدید می‌شد و به همین دلیل، برخی تاریخ‌دانان احتمال می‌دهند که قیام احمدبن موسی(ع) در این زمان رخ داده باشد.

به این ترتیب، هدف اصلی این قیام، حفاظت از جان امام و دفاع از امامت امام رضا(ع) یا جان ایشان بوده است. آنچه مسلم و قطعی به نظر می‌رسد، این است که حرکت احمدبن موسی(ع)، چه پیش از شهادت حضرت رضا(ع) و چه پس از آن اتفاق افتاده باشد، هدف اصلی آن، دفاع جانانه از حریم امامت ولایت و مبارزه بی‌امان با جور و ستم مامون و سیاست‌های ظالمانه او بوده است، به ویژه آن‌که امام رضا(ع) شرایط دشوار و طاقت‌فرسای خود را در درون حاکمیت غاصبانه مامون گوشزد کرده و به سفر بی‌باگشت خود اشاره کرده بودند. متن کامل را در «جام‌آفتابین» بخوانید.



### حضرت شاهچراغ<sup>(ع)</sup> با دفاع از امامت برادرش امام رضا<sup>(ع)</sup> و مبارزه با ظلم حاکمان الگوی از رهبری آگاه و فداکار در تاریخ تشیع به یادگار گذاشت

## برادر وفادار ولایت



خویش و با بیانی قاطع و عزمی راسخ، خطاب به بیعت‌کنندگان، چنین اعلام کرد: «من خود، در زمره بیعت‌کنندگان برادرم، علی‌بن موسی هشتم و او را به عنوان امام و پیشوای خود پذیرفته‌ام.» و به این سان، به مسأله جانبداری از امامت خود، خاتمه بخشید و آتش فتنه را خاموش کرد. این در حالی بود که او، خود، از طرفداران بسیاری برخوردار بود و به ظاهر، شرایط برای به‌دست گرفتن قدرت و تکیه زدن بر مسند امامت، به نفع او رقم خورده بود اما او حقیقت را فدای مصلحت نکرد.

پس از شهادت جانشین و مظلومانه امام‌کاظم(ع)، گروهی از شیعیان قائل به امامت احمدبن موسی(ع) شدند و در این میان، دو دستگی و اختلاف بروز کرد اما ایشان، با آگاهی کامل و بصیرت نافذ از امامت برادر بزرگوار خویش، یعنی امام علی‌بن

به عنوان نمونه، فرقه‌های احمدیه و واقفیه که هر یک به نوعی از مسیر حق منحرف شده بودند، ثمره چنین شرایط نابسامانی بودند. گروهی از مردم، با توجه به وصایت ظاهری و شخصیت بزرگوار احمدبن موسی(ع) و مقام و منزلتی که نزد همگان داشت، گمان بردند که مقام امامت و جانشینی پس از امام موسی کاظم(ع)، به ایشان تعلق دارد؛ از این‌رو، گرد او جمع آمدند و با وی بیعت کردند، غافل از آن‌که حقیقت امامت چیز دیگری است اما آن بزرگوار در اقدامی آگاهانه، مدبرانه و روشنگرانه، پیروان و طرفداران خویش را از یک انحراف دینی و تاریخی بزرگ که بیم آن می‌رفت جامعه اسلامی را به تفرقه و گمراهی بکشاند، بازداشت و آنان را به بیعت با وصی حقیقی و امام بر حق، یعنی علی‌بن موسی‌الرضا(ع)، ترغیب و تشویق کرد. وی، با رشادت، شهامت و بزرگواری کم‌نظیر

کاظم(ع) درخصوص تعیین جانشین پس از خود، با احتیاط تمام و تدبیری ویژه گام بردارند. ایشان قادر به تعیین وصی حقیقی خویش در میان عموم مردم نبودند و بیم آن می‌رفت که جان وصی معصوم در خطر قرار گیرد. از این‌رو وصی راستین خود، یعنی علی‌بن موسی‌الرضا(ع) را تنها به جمعی از خواص و یاران نزدیک و معتمد، معرفی کردند اما در کنار ایشان، چندتن دیگر را نیز به عنوان وصی ظاهری، برگزیدند که از جمله آنان، احمدبن موسی(ع) بود، تا به این ترتیب، هم جان امام محفوظ بماند و هم رشته امامت گسسته نشود.

بنابراین، فضای خفقان آور و پر از ظلم و جور آن دوران، از یک سو عدم بصیرت لازم و آگاهی کافی در میان توده مردم باعث به‌وجود آمدن بستر مناسب برای شکل‌گیری فرقه‌های گوناگون و انحرافات اعتقادی شده بود.

احمدبن موسی(ع)، گوهر شرب چراغ دودمان امامت و فرزند خلف امام موسی کاظم(ع)، هفتمین ستاره درخشان آسمان تشیع است. مادر گرمی‌شان، ام‌احمد، بانویی بود صاحب فضیلت و درایت و در زمره زنان فرهیخته روزگار خویش، نامی بلند داشت. احمدبن موسی(ع) در شهر نورانی مدینه منوره دیده به جهان گشود و از همان عنفوان کودکی، در نزد پدر بزرگوارش، جایگاهی بس والا و منزلتی بی‌بدیل یافت؛ تا بدانجا که به عنوان وصی ظاهری ایشان، شناخته شد. آن بزرگمرد، قامتی استوار در پرهیزگاری داشت و مورد اعتماد و اطمینان همگان بود و در شجاعت و فضل، گوی سبقت از همگان رفته بود و سرآمد روزگار خود بود. عالم جلیل‌القدر و فقیه سترگ، شیخ مفید، در کتاب ارزشمند ارشاد، در وصف شکوه شخصیت ایشان، چنین نگاشته است: «احمدبن موسی، مردی بود کریم الطبع و دارای منزلتی رفیع و پارسایی بی‌نظیر که زبانزد همگان بود. حضرت موسی کاظم(ع) او را بسیار دوست می‌داشت و بر دیگر فرزندان، مقدم می‌شمرد و مزرعه خویش را که به بسیریه شهرت داشت، به وی بخشید تا یادگاری از محبت پدرانه باشد.» روایت است که آن بزرگوار، در زمان حیات پر برکت خویش، هزار بنده را از قید و بند بندگی رها نمود و طعم شیرین آزادی را به آنان چشانید، اقدامی که نشان از روح بلند و کرامت‌الایی ایشان دارد. وی سرانجام در میدان نبرد با حاکم ستمگر و سفاک شیراز، قُتْلُ خان، به درجه رفیع شهادت نائل آمد و روح پاکش به ملکوت اعلی پیوست و اکنون، مزار نورانی او در شیراز، مامن امن دل‌های شکسته و پناهگاه دلدادگان حریم ولایت و عاشقان راستین خاندان امامت است. این شخصیت برجسته، افزون بر محبوبیتی که در نزد پدر بزرگوارش داشت و منزلتی که خاص و عام به آن اذعان داشتند، به ظاهر، به عنوان وصی نیز معرفی شده بود. شرایط بس پیچیده و حساس آن روزگار و خفقان و استبداد حاکم بر آن دوره تاریک، سبب شده بود امام موسی

### یادداشت دکتر محمد هادی مهابون | نویسنده و پژوهشگر

#### رستاخیز شخصی

پرسش اساسی این است که هدف از برانگیختن پیامبران، تشریع و برداشتن ناسازگاری‌های مردمان چه بوده؟ چرا انسان باید به رهبری پیامبران و جانشینان‌شان امت تشکیل دهد؟ برای پاسخ به این پرسش بنیادین ناگزیر باید ژرف‌تر به مؤلفه رستاخیزان و آثار آن‌ها بپردازیم. رستاخیز از مؤلفه‌هایی است که با همه لطافت و سهولت، پیچیده و سخت است. داستان ماهی و دریاست. دریا گرچه ماهیان را دربر گرفته اما از دریافت و وصف آن ناتوان است. باور داریم پس از مرگ به جهان برزخ می‌رویم که حداقل ما تا واقعه‌ای است که نامش رستاخیز نهاده شده. به روشنی نمی‌دانیم گذران ما در برزخ چگونه است و فقط آگاهی که پس از مرگ برپایه محاسبه و سنجه اجمالی کارنامه‌مان گور ما یا خفره‌ای دوزخی می‌شود یا یکی از بستان‌سراهای بهشتی و تا رستاخیز در آن به سر خواهیم برد. تا این‌که ناگهان زمین و زمان به هم می‌پیچد و در ساز رستاخیز (صور) دمیده می‌شود و همه می‌روند و در برآمدن دوم دوباره زنده شده، وارد انجمن رستاخیز می‌شوند. این واقعه عظیم در همین زمین رخ خواهد داد. سرانجام به جهان‌نهایی یعنی قیامت. رستاخیزان وارد می‌شویم؛ جهانی که جاودان است. در این فرآیند با گذشتن از پل صراط و پشت سرگذشتن مراحل مانند میزان، سنجه کارنامه، گواهی دادن شاهدان، شمار، شفاعت و... در بازه‌ای بس دراز دامن به بهشت یا دوزخ جاودان درمی‌آییم. این چکیده‌ای بود که کمابیش در ذهن همه ما هست و متأسفانه حتی در کتاب‌ها و بحث‌های تخصصی نیز چندان افزون‌تر و روشن‌تر به این مهم پرداخته نشده و چیز بیشتری گیرمان نمی‌آید. این همه رخداد در ظرف زمان و مکان تعریف و نوید داده شده که این دو از ویژگی‌های همین دنیا است. در این پژوهش از این نگاه خطی برمی‌گردیم و برای رسیدن به تحلیل و دریافتی واقعی‌تر به الگوی سه جهان مانند دایره‌های تودرتو نظر می‌دوریم. جهان ناسوت یا دنیا دایره مرکزی و دایره میانی؛ برزخ و دایره بیرونی جهان آخرت یا رستاخیز است.

برنامه انسان وظیفه‌مند این است که در زندگانی‌اش بکوشد این عوالم را یکی پس از دیگری درنوردد و به سوی رستاخیز شخصی خود حرکت کند. آیتا... انصاری همدانی درباره کسایی که به یقظه یا ناگهان بیداری می‌رسند و سالک راه خدا یعنی توحید می‌شدند، می‌فرمود: قیامتش برپا شد. در این روند حرکتی است که انسان در احسن تقویم آفریده شده به اسفل السافلین درمی‌آید تا با سعی و کوشایی به اعلا علیین فرایبرد. در این راه می‌تواند از رهگذر غفلتش پست‌تر از حیوان شود یا با عبادتش از فرشتگان فراتر برود. با فراتر رفتن از این جهان در سایه کوشش و عبادت می‌تواند با همان واقعیات و ویژگی‌های برزخی در این جهان زیست کند که به اصطلاح می‌گویند: چشم برزخی‌اش باز شده! علامه طباطبایی (ره) چه رسا گفته‌اند: آنچه از کرامات که خدا در قیامت به امت‌ها نوید داده در این دنیا برای او لایبش فراهم است. پس اولیا از مقامات اهل بیت(ع) به نحو وراثت برخوردار می‌شوند... پس بدان که از مواهب و هدش‌های خدا به اولیایش سیر آن‌هاست در میان عوالمی که در این جهان تا خود خفا دارد. سپس با نقل داستان حارثه بن مالک بن نعمان انصاری دارد که به پیامبر از مشاهداتش گفت از عالم بالا و بهشت و دوزخ و شناخت اهالی آنجا... تا اینجا سخن از سیر و سلوک شخصی انسان تا ورودش به عرصه رستاخیز بود اما ما پیروان اسلام ناب محمدی باوری داریم به عنوان قیامت‌گیری...،

ادامه دارد